

اصول و مفاهیم صورتبندی (سلسله مراتب) استراتژی (۱)

«اهداف ملی»

صادق حیدر خانی

هدف چیزی است که تمرکز تمام توانها، مقدرات و تلاشها به سمت آن هدایت می‌شود و «واژه ملی» به معنای گروه مردم، منصوب یا مربوط به ملت آمده است بنابراین هدف ملی تصویری از امور آینده و مجموعه شرایطی که کشور در راه بدست آوردن آن می‌کوشد، تعریف می‌شود. یکی از مسائلی که به طور بسیار جدی و مستمر مورد بحث رهبران و سیاستمداران قرار گرفته فرآیند انتخاب اهداف ملی است که برای تحقق این مهم عوامل متعددی در یک کشور فعال می‌شوند تا جریان رسیدن به اهداف ملی به نحو مطلوب استمرار یابد.

نکات مهم و اساسی در انتخاب اهداف ملی: چیزی که در تعیین اهداف ملی بسیار مهم است آن است که هدف را چه از لحاظ «محتوا»، چه از لحاظ «نوع» ابعاد سیاسی، اقتصادی نظامی و فرهنگی اجتماعی مورد بررسی قرار داد و به طور جامع و مانع انتخاب نمود. انتخاب‌کنندگان اهداف ملی باید موضوع و منطقه هدف، توان و مقدرات کشور، اوضاع و شرایط داخلی و حوادث پیش‌بینی نشده را در نظر گرفته، محاسن و معایب آنها را مشخص سازند.

یک هدف خوب و متناسب این خصوصیات را داراست: روشن و واضح است، مبتنی بر حقایق و واقعیات است، قابل اندازه‌گیری و دارای محدوده زمانی مشخص است، حتی‌المقدور در برگیرنده مقاصد و منافع تمام شرکت‌کنندگان آن است، قواعد و مبانی اساسی حاکم بر هدف نهایی را مد نظر قرار می‌دهد.

سلسله مراتب (صورتبندی) هدفها: هدفها با توجه به میزان وسعت و دامنه‌شان به

صورت اساسی و تخصصی تقسیم‌بندی می‌شوند. بنابراین هر هدف دارای جایگاه و منزلت خاصی بوده و در ارتباط با سطح استراتژی و مبتنی بر ارزشهای آن سطح تعیین و انتخاب می‌شوند.

به طور کلی اهداف دارای سه سطح می‌باشند: ۱- استراتژی همه جانبه یا کلان (اهداف بلند مدت) ۲- استراتژی کلی یا حیاتی (اهداف میان مدت) ۳- استراتژی عملیاتی یا متوسط (اهداف کوتاه مدت).

محاسن هدف گذاری: ۱- تصمیم‌گیرها را هم جهت می‌نماید. ۲- چارچوب لازم برای هدایت، کنترل، نظارت و ارزیابی را مشخص می‌کند. ۳- موجب کاهش هزینه‌ها و جلوگیری از اتلاف انرژی و منابع نیروی انسانی می‌گردد. ۴- کاربردی منابع را در زمان و مکان مشخص افزایش می‌دهد. ۵- مشارکت و حضور در صحنه شرکت‌کنندگان را تقویت و آنان را همگانی می‌کند.

عوامل مؤثر بر تعیین هدف: اگر جامعه‌ای بتواند به صورت علمی امور خودش را در نیل به اهداف تنظیم و اداره کند، می‌توان گفت که آن جامعه هدفدار است. مهمترین عوامل مؤثر بر تعیین هدفهای کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت عبارتند از:

۱- رهبری: رهبری در زمان غیبت ولی عصر (عج) در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و ولایت امت است که منبع اصلی و نادر و عامل پویایی به شمار می‌رود. رهبری با عمل نفوذگذاری بر افراد می‌تواند میزان و سطح تأثیرانگیزه بر عملکرد و کسب هدف را بین ۲۰٪ تا ۹۰٪ بالقوه نماید به طوری که افراد از روی میل و اشتیاق کوشش‌هایشان را برای رسیدن به اهداف گروهی متمرکز کنند.

۲- ایدئولوژی: ایدئولوژی تبلور آرمانها و ارزشهای ملتی همفکر است که در روند تحول فکری راه خود را به سوی اهداف نهایی می‌گشاید، لذا انتخاب اهداف ملی در چارچوب تبلور اعتقادات دیرینه آن مردم تعیین می‌گردد چون هدف اسلام به عنوان دین رسمی ایران تشکیل حکومت الهی و در حقیقت رشد انسان است مبتنی بر نظامی است که بر اصول پنجگانه شعبیه استوار است.

۳- تاریخ گذشته و معاصر: حوادث تاریخی و اجتماعی گذشته می‌بایست از نظر

ماهیت، هدف رهبری و آفات مورد بررسی و قضاوت قرار گرفته و از نتایج و آثار آنها برای جلوگیری از تکرار حوادث تلخ بهره گرفته شود. بررسی دقیق تاریخ گذشته و معاصر و تحلیل آنها برای انتخاب اهداف در سطوح مختلف بسیار مفید و حیاتی است.

۴- توسعه: هسته مرکزی جریان توسعه به میزان و سطح بهره‌گیری از نتایج علوم تکنولوژی در عرصه‌های مختلف فعالیت‌های صنعتی، غیرصنعتی، تولیدی و خدماتی بستگی مستقیم پیدا نموده است. و در این راستا اهمیت کیفیت نیروهای متخصص و ماهر یک کشور در بهره‌برداری مطلوب از سایر منابع آن با میزان توان بهره‌برداری از پیشرفت تکنولوژی جدید ارتباط تنگاتنگی داشته و در انتخاب اهداف هر کشور بسیار مهم است.

۵- موقعیت جغرافیایی و شرایط ژئوپلیتیکی: بیان حقایق ژئوپلیتیکی و محیط جغرافیایی هر کشور، انتخاب کنندگان اهداف کل استراتژی را به واقعیات نزدیک می‌کند. شناخت مسائل ژئوپلیتیکی کشور ما از جمله توجه میزان ذخائر نفتی، دارا بودن مرز طولانی در خلیج فارس و مرزداری از تنگه هرمز هم چنین بررسی و تحلیل همه جانبه اعضای شرکت کننده در پیمانهای اقتصادی ما با سایر دولت‌ها و نقد روابط سیاسی و فرهنگی با سایر دولت‌های همسایه، ضرورت افزایش توان و فعالیت نیروی دریایی و استحکام آنها و هم‌بندگی تقویت و توسعه سازمان‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در جهت جلب اعتماد آنها می‌تواند ما را در رسیدن به اهداف مورد نظرمان یاری دهد.

۶- شرایط و اوضاع اجتماعی - اقتصادی: در عصر حاضر که مهمترین وظیفه دولت تدوین و نحوه اجرای برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی، رشد اقتصادی توزیع عادلانه درآمدها و ایجاد اشتغال کامل از طریق بهره‌گیری از تمامی منابع داخلی می‌باشد آیا با توجه به رشد سریع جمعیت و رقابت کشورها برای تصاحب منابع اساسی، بدون تحصیل اطلاعات درباره منابع طبیعی و مادی کشور، تشخیص مسائل اجتماعی و اقتصادی کشور، انتخاب اولویتها، و درجه‌بندی آنها و سرانجام انتخاب اهداف و سیاستهای صحیح و مناسب، میسر و امکان‌پذیر خواهد بود؟

۷- مسائل فرهنگی و روانی: شناخت عواملی که زمینه عقب ماندگی و ناهنجاریهای فرهنگی و یا عواملی که سبب تقویت ارزشهای و عرف یک جامعه هست و همینطور توسعه و نوآوریهای فرهنگی در مقابله منطقی که با عوامل دگرگون کننده فرهنگ شامل تکنولوژی، حجم و توزیع جمعیت، نیازها و... در یک نظام روابط فرهنگی الگودار و سازمان یافته می توانند تحقق اهداف یک کشور را امکان پذیر سازند، عواطف و احساسات جامعه متأثر از عوامل خارجی و اجتماعی و آمیخته با جبر و سرنوشت به وجود می آید تا فرهنگ و روحیه ملی را حفظ و نقش شایسته ای در تحقق اهداف ایفا کنند.

۸- زمان بندی و توانایی تحصیل هدف: زمان بندی، مدت زمان لازم و مشخص برای تأمین هدف ها را به طور معقول و منطقی تبیین می کند. ارزیابی و تعیین اهداف همواره باید با بررسی شرایط و وضعیت فعلی و محیط آینده مناسب با برنامه های پنج یا ده ساله تخمین زده شوند.

۹- سیاست خارجی: با توجه به اینکه دولتها دارای اهداف واحد و یکسان نبوده و به طور مرتب اهداف آنها در طول زمان تغییر می کند، می بایست در شرایط مختلف سیاست خارجی بر اساس اهداف و احوال محیطی و درک فرصتها اهداف کشور متبوع خود را تعقیب و تحصیل نمایند، و در این رابطه محدودیتها و مقررات فراهم شده در فرصتهای زمانی به طور کامل باید شناسایی و تشخیص داده شوند.

اهداف ملی پیشنهادی:

- ۱- حفظ اصول و ارزشهای اصیل انقلاب با هدف و تشکیل امت جهانی اسلام.
- ۲- حفظ آزادی اقتصادی، معنوی مردم براساس قرآن کریم و سنت ائمه معصومین علیهم السلام.
- ۳- ایجاد شرایطی که در آن مردم امنیت، عدالت اجتماعی و آزادی را به طور کامل مشاهده کنند.
- ۴- تنظیم سیاست اقتصادی برای نسل آینده.
- ۵- اعمال سیاست مؤثر کنترل جمعیت.